



## گفت‌وگوهای سه‌جانبه در پکن

معاون وزیر خارجه در مورد محتوای گفت‌وگوهای سه‌جانبه ایران، چین و روسیه که قرار است روز جمعه در پکن برگزار شود، توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش ایسنا، کاظم غریب‌آبادی در صفحه اجتماعی ایکس در این ارتباط نوشت: «گفت‌وگوهای سه‌جانبه ایران - چین - روسیه راجع به تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها روز جمعه این هفته در پکن و با حضور اینجانب، ما ژائوسو، معاون وزیر امور خارجه چین و سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه برگزار می‌شود.» وی افزود: «در این گفت‌وگوها که در چارچوب ایزنی‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران با طرف‌های ذیربط برای رفع تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی شده است، راجع به دیگر موضوعات مورد علاقه سه کشور، از جمله همکاری‌ها در قالب بریکس و شانگهای نیز بحث و تبادل نظر خواهد شد.» پیش از این اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت خارجه و همچنین مانوئیلینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین از برگزاری نشست سه‌جانبه ایران، چین و روسیه در پکن خبر دادند.



## خواسته‌های منطقه‌ای آمریکا از ایران منطقی نیست

سرگئی لاوروف در مصاحبه با ماریو ناتوفالو، لری جاسون و اندرو ناپولیتانو بلاگرهای آمریکایی و در پاسخ به این سؤال که آیا موضوع ایران بخشی از مذاکرات جاری روسیه و آمریکا است؟ گفت: «ما از احیای برجام که آمریکایی‌ها در دوره نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ از آن خارج شدند، حمایت می‌کنیم؛ در این زمینه تماس‌هایی با کشورهای اروپایی وجود دارد.» به گزارش ایرنا، وی همچنین گفت: «با مقامات آمریکا درباره وضعیت خلیج فارس و همچنین برنامه جامع اقدام مشترک در مورد برنامه هسته‌ای ایران (برجام) گفت‌وگو کردیم. لاوروف در پاسخ به پرسشی درباره چشم‌انداز احیای توافق هسته‌ای جاری یا توافقی دیگر نیز گفت: «آمریکایی‌ها توافق هسته‌ای جدید را با الزام ایران به عدم حمایت از تعدادی از گروه‌ها در خاورمیانه مرتبط کند، اما این گزینه کارساز نخواهد بود. وی ادامه داد: این موضوع نگران‌کننده است که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها تمایل دارند این توافق جدید با شرایط سیاسی همراه باشد که تحت آن ایران متعهد شود که از گروه‌هایی در عراق، لبنان، سوریه و دیگر کشورها حمایت نکند. وزیر امور خارجه روسیه در این زمینه یادآور شد: همه کشورهای حوزه خلیج فارس فراتر از مرزهای پادشاهی و امارت خود نفوذ دارند. آنها برنامه‌های بشردوستانه و اقتصادی زیادی را در شمال آفریقا اجرا می‌کنند.»



## دیدار با وزیر دفاع بلاروس

ویکتور خرونین، وزیر دفاع بلاروس، چهارشنبه با امیر عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مینسک دیدار کرد. خبرگزاری رسمی بلاروس (بلتا) گزارش داد که وزارت دفاع روسیه اعلام کرد: طرفین درباره وضعیت فعلی همکاری‌های دوجانبه گفت‌وگو کرده و راهکارهای تقویت آن در حوزه‌های مرتبط با منافع دوجانبه را ترسیم کردند. وزرای دفاع پروتکل نهایی این سفر را امضا کردند.



### حقیقت سخت در مورد قدرت سخت

ارزش آن را دارد که مذاکره‌کنندگان ایالات متحده در حین ادامه مذاکره، حقایق دیگر را نیز در نظر بگیرند. تصور نادرستی وجود دارد مبنی بر اینکه ناتو مداخله روسیه را در گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ با توافق در بخارست در سال ۲۰۰۸ را انگیزت و قول داد که هر دو کشور روزی به عضویت ائتلاف درآیند. استیون هادلی در بخارست در حال مذاکره برای توافق از طرف دولت بوش با مقامات آلمانی و فرانسوی بود و در دادن تضمین‌های محکم‌تر و سریع‌تر به این کشورها خودداری کردند.

گواهی این مدعا در توجه به کشورهای بلوک شوروی سابق که پس از جنگ سرد به عضویت ناتو درآمدند، مشهود است. آنها از آن زمان تاکنون پایدار و ایمن بوده‌اند و تا زمانی که روسیه معتقد باشد که ایالات متحده و متحدانش در ناتو بر اساس بند ۵ پیمان آتلانتیک شمالی بر اساس ضمانت امنیتی «همه برای یکی و یکی برای همه» پایبند هستند، تعرضی به امنیت آنها نخواهد کرد. اندرو آ. میچتا، عضو شورای آتلانتیک، در مقاله‌ای تحت عنوان «دلایل واقعی حمله روسیه به اوکراین، گسترش ناتو نیست» می‌نویسد که بسیاری از بحث‌های عمومی در مورد جنگ در اوکراین به طور فزاینده‌ای خلاف واقعیت است. مسئولیت تهاجم و کشتار، بی‌تردید بر عهده ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه است، و این واقعیت ساده باید نقطه عزمیت هر مسیر منطقی برای پایان دادن به درگیری باشد. «میچتا استدلال می‌کند: «غرب مسئول است نه به این دلیل است که به دنبال تعریف مجدد معماری امنیتی منطقه شکست تاریخی اروپا به گونه‌ای است که به نفع منافع خودش و ثبات و امنیت منطقه باشد، بلکه به این دلیل است که نتوانست دومین گام اساسی را بردارد: غرب در حمایت از معماری جدید امنیتی با استفاده از قدرت سخت شکست خورده است.» میچتا می‌نویسد، برخلاف دوران پس از جنگ جهانی دوم، زمانی که ایالات متحده مقادیر عظیمی از قدرت را برای ایجاد ثبات و بازسازی اروپا و جلوگیری از هرگونه تلاش برای تجاوز شوروی به جهان آزاد به کار گرفت، «صلح پس از جنگ سرد با درجه زیادی از خلع سلاح در سراسر غرب همراه بود.» میچتا نگران توافقی با اوکراین است که نه تنها دستاوردهای ارضی روسیه را تأیید می‌کند و احتمالاً به روسیه اجازه می‌دهد اوکراین را در طول زمان ببلعد، بلکه روسیه را آزاد می‌کند تا به دنبال دستاوردهای بیشتر، در منطقه و جاهای دیگر، در مشارکت فزاینده نزدیک خود با چین داشته باشد. میچتا می‌نویسد: «به این مسئله، نزدیک‌بینی استراتژیک سیاستمداران کلیدی اروپایی را اضافه کنید که به جای تشخیص ضعفشان، درباره «رها شدن توسط آمریکا» صحبت می‌کنند. در چنین شرایطی، توانایی بزرگ را افق خواهد رسید.» میچتا، به خوانندگان یادآوری می‌کند که بازدارندگی، هم به توانایی‌های نظامی و هم به تمایل به استفاده از آنها نیاز دارد. او می‌نویسد: «اگر هیچ‌کدام را ندارید، اصطلاح صحیح «مماشات» است، به بیان ساده‌تر، مذاکرات دولت ترامپ با روسیه، یا جاه‌طلبی‌های پوتین را خنثی می‌کند و یا تقویت می‌کند. اگر ترامپ بخواهد از مماشات اجتناب کند، طرح صلحی که در فارین افرز بیان شده است، محل خوبی برای شروع است.»

اشغال روسیه، خطوط کنترل کنونی بین نیروهای روسیه و اوکراین را بپذیرید و مسیر را برای حل و فصل مذاکره آماده کنید و در صورت شکست مذاکرات، چگونگی دستیابی به آتش‌بس از طریق اقدام یکجانبه را در نظر بگیرید. «این چند کلمه آخر در مورد نیاز بالقوه برای اقدام یکجانبه قابل توجه است، زیرا پوتین بعید است هر گونه توافقی را بپذیرد که نتایجی را که در خدمت منافع اوکراین، ایالات متحده و متحدان باشد، تضمین کند.»

نویسندگان می‌نویسند: «برای هموار کردن این مسیر، اوکراین، اروپا و ایالات متحده باید بر چهار اولویت تمرکز کنند: تقویت نظامی اوکراین، اعمال فشار اقتصادی بیشتر بر روسیه (اما کاهش تحریم‌ها در صورت تبعیت روسیه از توافق)، رسیدگی به نیازهای امنیتی و اقتصادی اوکراین از طریق عضویت در اتحادیه اروپا، و بازدارندگی روسیه با عضویت اوکراین در ناتو. هیچ چیز در مقاله فارین افرز بحث‌برانگیزتر یا ضروری‌تر از ارزش بازدارندگی پیشنهاد عضویت اوکراین در ناتو نیست؛ اگر امنیت پایدار اوکراین از طریق آتش‌بس و توافقنامه صلح تضمین نشود یا اگر روسیه توافقی را که امضا می‌کند، که عادت به انجام آن دارد، زیر پا بگذارد.»

نویسندگان اشاره‌ای نمی‌کنند که به نظر می‌رسد وزیر دفاع ایالات متحده، پیت هگرتز، عضویت اوکراین در ناتو را در ۱۲ فوریه از گزینه‌های روی میز حذف کرد. مشخص نیست که آیا مذاکره‌کنندگان ایالات متحده هنوز همین کار را انجام داده‌اند یا خیر. اگر چنین است، آنها باید عضویت ناتو را دوباره در ترکیب قرار دهند، هم به این دلیل که تاریخ نشان داده است که موثرترین تضمین امنیتی منطقه است و هم به این دلیل که اهرم قدرتمندی برای ترامپ فراهم می‌کند.

ترامپ، به عنوان نویسنده کتاب «ترامپ: هنر معامله»، اخیراً در دفتر بیضی شکل به رئیس‌جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی نصیحت کرد که در حال بازی با ورق‌های ضعیف است. هیچ‌کس بهتر از ترامپ نمی‌فهمد که دور انداختن بهترین کارت‌ها، در آغاز مذاکره چقدر احتمالاً اشتباه است. نویسندگان فارین افرز استدلال می‌کنند که اگر پوتین به تهدید اوکراین ادامه دهد یا براساس الزامات توافق شده عمل نکند، تنها چشم‌انداز عضویت اوکراین در ائتلاف است که او را مجبور به رعایت شرایط صلح می‌کند. الکساندر استاب، رئیس‌جمهور فنلاند نیز استدلال مشابهی را مطرح کرده است. نویسندگان مقاله می‌نویسند: «موضوع مذاکره براساس این چهار اولویت - قدرت نظامی اوکراین، فشار اقتصادی بر مسکو، عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا، و ارزش بازدارندگی عضویت در ناتو - به اوکراینی‌ها اعتماد به نفس برای مذاکره و به پوتین انگیزه موفقیت مذاکرات را می‌دهد.»

فراتر از آن، آنها برای دستیابی به توافق می‌نویسند: «مذاکره‌کنندگان ایالات متحده آمریکا باید از افتادن در دام روسیه که ابتدا بر بهبود روابط آمریکا و روسیه تمرکز دارد و در عین حال موضوع اوکراین را تضعیف می‌کند، اجتناب کنند. چراکه این رویکرد، به نیروهای روسی زمان بیشتری برای تصرف سرزمین‌های اوکراینی می‌دهد.»

پوتین به وضوح به دنبال بازیابی امپراتوری از دست‌رفته روسیه بود و این تلاش لزوماً به پایان نمی‌رسد. در نتیجه هر توافقی که ممکن است مورد موافقت قرار بگیرد، باید در خدمت این هدف باشد.

نکته بعدی این است که مقامات دولت ترامپ باید در ابتدا روشن کنند که پوتین در تلاش است به چه هدفی دست یابد. آیا هدف پوتین شامل به انقیاد گرفتن کشورهایی که زمانی به بلوک شوروی متعلق بودند می‌شود یا خیر. پوتین طی ماه‌های گذشته نشان داده که مصمم است در همکاری «بدون محدودیت» با پکن، نفوذ جهانی ایالات متحده را کاهش دهد و نظم جهانی مبتنی بر اهداف روسیه و چین را جایگزین نظم جهانی مدنظر آمریکا کند. پوتین و شی جین‌پینگ به صراحت گفته‌اند که «اکنون تغییراتی در راه است که صد سال است اتفاق نیفتاده است. وقتی با هم باشیم می‌توانیم این تغییرات را سمت و سو بدهیم.»

### صلح از طریق قدرت

با توجه به آنچه که در جریان است، فرمولی برای پایان دادن به جنگ در اوکراین، که آمیخته با حقایق روی زمین است، هفته گذشته در مقاله‌ای تحت عنوان «طرحی برای صلح از طریق تقویت اوکراین» در مجله فارین افرز، منتشر شد. نویسندگان این مقاله، همگی از حامیان نقش ایالات متحده در جهان هستند. افرادی نظیر استیون هادلی، مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده؛ دانیل فرید، سفیر سابق ایالات متحده در لهستان و فرانکلین دی کرامر، یکی از مقامات ارشد سابق پنتاگون، نویسندگان این مقاله بوده‌اند.

در این مقاله دو پاراگراف بسیار مهم وجود دارد که اصلاحات پیشنهادی را در مسیری که دولت فعلی ترامپ در پیش گرفته مطرح می‌کند. یک مسیر شامل اروپا است و دیگری امکان عضویت اوکراین در ناتو. نویسندگان مقاله استدلال می‌کنند که اگر رئیس‌جمهور آمریکا بخواهد از سر نوشت «خروج فاجعه‌بار دولت بایدن از افغانستان» جلوگیری کند، این تغییر ضروری است. پرزیدنت دونالد ترامپ در سخنرانی اخیر خود در کنگره حقیقتاً سخنان درستی بر زبان آورد و گفت که خروج نامطلوب جو بایدن رئیس‌جمهور وقت آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۲۱ نشان‌دهنده ضعف بود و همین خروج بود که پوتین را تشویق کرد تا در اوایل سال ۲۰۲۲ حمله تمام‌عیار خود به اوکراین را آغاز کند. می‌توان خط مشی روشنی ترسیم کرد. با تکیه بر این درس، نویسندگان استدلال می‌کنند که پذیرش «شرایط روسیه برای پایان دادن به جنگ» توسط ترامپ، خطر نشان دادن ضعف مشابه با نتایج مشابه را دارد.

نویسندگان می‌نویسند: «در عوض، بهترین راه برای پایان دادن به جنگ استفاده از رویکرد «صلح از طریق قدرت» است. چنین رویکردی نقش اروپا را در حمایت نظامی و اقتصادی از اوکراین، با یک نقش پشتیبان محدود اما مهم برای ایالات متحده، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. بهتر است بدون به رسمیت شناختن الحاق یا حاکمیت روسیه بر مناطق تحت

**مقامات دولت ترامپ باید در ابتدا روشن کنند که پوتین در تلاش است به چه هدفی دست یابد. آیا هدف پوتین شامل به انقیاد گرفتن کشورهایی که زمانی به بلوک شوروی متعلق بودند می‌شود یا خیر. پوتین طی ماه‌های گذشته نشان داده که مصمم است در همکاری «بدون محدودیت» با پکن، نفوذ جهانی ایالات متحده را کاهش دهد و نظم جهانی مبتنی بر اهداف روسیه و چین را جایگزین نظم جهانی مدنظر آمریکا کند. پوتین و شی جین‌پینگ به صراحت گفته‌اند که «اکنون تغییراتی در راه است که صد سال است اتفاق نیفتاده است. وقتی با هم باشیم می‌توانیم این تغییرات را سمت و سو بدهیم.»**

**مقامات دولت ترامپ باید در ابتدا روشن کنند که پوتین در تلاش است به چه هدفی دست یابد. آیا هدف پوتین شامل به انقیاد گرفتن کشورهایی که زمانی به بلوک شوروی متعلق بودند می‌شود یا خیر. پوتین طی ماه‌های گذشته نشان داده که مصمم است در همکاری «بدون محدودیت» با پکن، نفوذ جهانی ایالات متحده را کاهش دهد و نظم جهانی مبتنی بر اهداف روسیه و چین را جایگزین نظم جهانی مدنظر آمریکا کند. پوتین و شی جین‌پینگ به صراحت گفته‌اند که «اکنون تغییراتی در راه است که صد سال است اتفاق نیفتاده است. وقتی با هم باشیم می‌توانیم این تغییرات را سمت و سو بدهیم.»**